





دانشگاه آزاد اسلامی

واحد اردبیل

پایان نامه کارشناسی ارشد (M.A)

گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان تحقیق به فارسی:

« احتکار و وظیفه حکومت اسلامی در برابر آن در فقه امامیه »

استاد راهنما:

دکتر بهزاد

نگارنده:

حافظ صادقی

سال تحصیلی 97-98

پاسکزاری

پس از حمد و ستایش و سپاس خداوند متعال و درود و صلوات بر پیامبر مبرور رحمت، حضرت ختمی مرتبت، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام، از تمامی کسانی که بنده را در نوشتار و به شمر رسانیدن این تحقیق و پژوهش یاری نمودند؛ از جمله: خانواده محترم خود، استاد راهنمای ارجمند که همواره با صبر و جبینی گشاده و پر عطف و در مدت زمان نگارش و تدوین آن، با محبتی سرشار یاری ام نمودند؛ کمال تشکر و نهایت قدر دانی را داشته و از درگاه خداوند منان، مزید توفیقات را برایشان خواهم.

تقدیم به خانواده عزیزم

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
1	چکیده.....
3	مقدمه.....
3	الف) بیان مسئله.....
10	ب) سوالات تحقیق.....
10	ج) پیشینه تحقیق.....
13	د) فرضیه های تحقیق.....
13	ه) اهداف پژوهش.....
14	ز) روش تحقیق.....
14	و) ساماندهی تحقیق.....

فصل اول: کلیات (مفاهیم، تعاریف و سیر تاریخی)

16	1-1-1-1-1 احتکار در لغت.....
17	1-2-1-2-1 احتکار در اصطلاح.....
19	1-3-1-3-1 موارد احتکار.....
19	1-3-1-1-3-1 احتکار به قصد اضرار.....
20	1-3-1-2-3-1 ملاک احتکار.....
20	1-3-1-3-3-1 اجبار محترک.....
20	1-3-1-4-3-1 نرخ گذاری مواد احتکار شده.....

- 1-3-5- نفی احتکار در اقتصاد اسلامی.....20
- 1-3-6- شرایط احتکار.....21
- 1-3-7-1- شرط‌های لازم.....21
- 1-3-7-2- شرط‌های غالبی.....22
- 1-4- عوامل مهم در جذب اشخاص به سمت احتکار.....23
- 1-5- اثرات مخرب احتکار.....24
- 1-6- حرمت یا کراهت احتکار.....35
- 1-4- سیرتاریخی احتکار.....36

فصل دوم: مصادیق احتکار در فقه امامیه

- 2-1- دیدگاه و اقوال فقها.....42
- 2-1-1- انحصار در مصادیق خاص.....42
- 2-1-2- عدم انحصار در مصادیق خاص.....43
- 2-2- دیدگاه امام خمینی.....44
- 2-3- تأثیرات زمان و مکان در دگرگونی موضوعات.....48
- 2-3-1- نقش زمان و مکان در اجتهاد از نظر فقها.....49
- 2-3-2- دیدگاه حضرت امام خمینی (ره).....51
- 2-4- شرایط عنوان احتکار منهی عنه از دیدگاه امام خمینی.....53
- 2-4-1- باید‌ها جهت صدق عنوان احتکار.....53

- 53.....1-1-4-2-شرطیت قصد افزایش قیمت در احتکار.....
- 55.....2-1-4-2-عرضه نشدن این نوع کالا از سوی فردی دیگر.....
- 56.....3-1-4-2-حبس و عدم عرضه ی کالا.....
- 56.....4-1-4-2-حاجت و نیاز شدید.....
- 57.....2-4-2-فیود غیر معتبر در صدق عنوان احتکار.....
- 57.....1-2-4-2-خرید کالا.....
- 58.....2-2-4-2-زمان.....

فصل سوم: راههای مقابله با احتکار در فقه و حقوق

- 62.....1-3-ممنوعیت احتکار در فقه.....
- 62.....1-1-3-پیشگیری از وقوع احتکار در فقه.....
- 62.....1-1-1-3-منع تلقی ركبان.....
- 64.....2-1-1-3-منع بیع حاضر للبادی.....
- 66.....3-1-1-3-جلوگیری از تبانی برای ایجاد بازار سیاه.....
- 70.....2-1-3-احتکار در قانون.....
- 70.....1-2-1-3-عنصر قانونی.....
- 71.....2-2-1-3-عنصر مادی.....
- 72.....3-2-1-3-عنصر معنوی.....
- 73.....2-3-اقدامات اجرایی دولت نسبت به محتکرین.....
- 73.....1-2-3-اجبار محتکر بر فروش کالای احتکار شده.....

- 75.....3-1-2-1-1- اجبار دولت بر فروش کالای احتکار شده و ادله آن.....
- 76.....3-1-1-1-2-1- روایات.....
- 77.....3-2-1-1-2-1- اجماع.....
- 77.....3-3-1-1-2-1- وجوب نهی از منکر.....
- 77.....3-4-1-1-2-1- قاعده لاضرر.....
- 81.....3-3- تسعیر (نرخ گذاری) بر روی اجناس احتکار شده.....
- 82.....3-3-1- دیدگاه فقها در نرخ گذاری اجناس احتکار شده.....
- 83.....3-1-1-3-1- دیدگاه اول : جایز نبودن قیمت گذاری به طور مطلق.....
- 83.....3-1-1-1-3-1- شواهد و ادله بر عدم جواز قیمت گذاری.....
- 84.....3-1-1-1-1-3-1- روایات.....
- 85.....3-2-1-1-1-3-1- اصالة البرائة.....
- 85.....3-2-1-3-3- دیدگاه دوم : جواز قیمت گذاری به طور مشروط.....
- 86.....3-3-1-3-3- دیدگاه سوم : جواز قیمت گذاری به طور مطلق.....
- 87.....3-5-3-3- دیدگاه حضرت امام خمینی در مورد قیمت گذاری.....
- 88.....4-3- مجازات محتکر.....
- 88.....3-1-4-3- ادله و مستندات مجازات احتکار کننده.....
- 89.....3-2-4-3- بررسی مجازات محتکران در قوانین حقوقی.....
- 94.....پیشنهادات.....
- 95.....نتیجه گیری.....

چکیده

سودجویان و فرصت طلبان در هر عصر و نظامی، در انتظار فرصت به منظور تامین اهداف نامشروع خود می باشند؛ یکی از این سودجویان، محترمان می باشند که متاسفانه به این کار نامشروع و غیرانسانی دست می زنند.

احتکار عبارت است از حبس و نگهداری طعام به امید گرانی نرخ.

ملاک برای احتکار دو چیز است: 1- نیاز مردم 2- عدم باذل طعام .

روش تحقیق توصیفی- تحلیلی می باشد. هدف اصلی از این تحقیق بررسی نحوه ی برخورد حکومت اسلامی در فقه امامیه در برابر احتکار می باشد؛ و اهداف فرعی نیز درضمن آن بیان شده است. نتایج و دستاوردهایی که از این تحقیق به دست می آید، آن است که در صورتی که احتکار کالا زمینه را برای تضییع حقوق و بی عدالتی در جامعه فراهم نماید حاکم اسلامی موظف است از اجحاف و ستم افراد جامعه نسبت به یکدیگر جلوگیری نماید زیرا هریک از افراد جامعه در زندگی اجتماعی، حق و حقوقی دارند که در وضع و اجرای قوانین لازم است مورد توجه قرار گیرد و هرگز نباید به موجب استیفای حقوق برخی از افراد جامعه حقوق دیگران مورد تجاوز قرار گیرد. از دیدگاه فقها مالکیت اختصاصی محترم می باشد اما در صورتی که از مصادیق تعارض حقوق فرد و جامعه گردد بنا بر قاعده لاضرر که در مقابل قاعده تسلیط است؛ مالکیتی که موجب اضرار به دیگری گردد آن مالکیت محترم نبوده و به رسمیت شناخته نمی شود. و بنابر این حاکم شرع با اعمال مواردی مانند اجبار محترک بر فروش کالا، نرخ گذاری بر روی اجناس احتکار شده و در مرحله آخر با مجازات محترک به مقابله با احتکار می پردازد.

یکی از دستاوردهای لطیف و دقیق این پژوهش که قابل توجه است و موجب نوآوری شده، آن است

که احتکار شامل همه مایحتاج می باشد چه طعام و چه غیرطعام مانند : آهن ، پنبه ، لاستیک ماشین

و...

واژگان کلیدی: احتکار، زمان، مکان، تعزیر، اجحاف، فقه، حقوق موضوعه

مقدمه

یکی از موضوعات مهمی که در عصر کنونی توانسته اقتصاد کشورمان را با چالش های جدی مواجه نماید احتکار می باشد. احتکار یکی از موضوعاتی است که خداوند متعال و پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار(ع) و نیز علمای شیعه و سنی آن را به شدت مورد انتقاد قرار داده اند و با آن مبارزه نمودند.

زیرا در صورت رونق یافتن این فعالیت اقتصاد کشور فلج و باعث از بین رفتن تعادل اقتصادی می-شود. عمده دلیل روی آوردن به این عمل را می توان ضعف ایمان و اعتقاد افراد به خدا و معاد و فراموش نمودن این باور که همه، روزی در مقابل خداوند متعال مسئولند، دانست. احتکار در واقع نوعی کاهش یا متوقف کردن جریان توزیع کالا توسط عده ای از افراد جامعه با توجه به وضع بازار و به خصوص تقاضای تحریک شده ی خریداران به منظور بالا بردن قیمت و درآمد حاصل از افزایش قیمت کالا صورت می گیرد؛ که سرانجام موجب افزایش تقاضا بر عرضه و منجر به پیدایش تورم و افزایش صعودی قیمت ها می گردد؛ از آن جا که موجب آشفتگی در نظام جامعه و ایجاد بازار سیاه می باشد می توان آن را جرم محسوب نمود.

در این نوشتار محقق بر این است که با طرح موضوعات مرتبط به این موضوع به بررسی مسائل مختلف مربوط به احتکار مانند: حکم تکلیفی احتکار و مصادیق آن و نقش زمان و مکان در تعمیم مصادیق و شرایط صدق عنوان احتکار و هم چنین با جرم انگاری احتکار به راه های مقابل با آن در فقه و حقوق که با اجبار محترک به فروش کالای خود و جواز قیمت گذاری کالا از سوی حاکم بپردازد.

الف) بیان مسئله

معایش و حیات مادی یکی از مقاصدی است که مورد اهتمام شارع مقدس است. سودجویان و فرصت طلبان در هر عصر و نظامی، در انتظار فرصت و به دست آوردن موقعیت به منظور تامین اهداف نامشروع خود می باشند. از آنجا که معمولاً انسان ها در کسب و کارشان به دنبال سود و منافع شخصی خود هستند، گاهی نفس اماره آن ها را به راه های نادرست می کشاند. آن ها با انبار نمودن و ذخیره سازی مایحتاج مردم به انتظار می نشینند تا یک شوک اقتصادی به بازار وارد سازند و در ادامه، آن را با ثمن مضاعف وارد گردونه اقتصادی نمایند. در واقع، این پدیده را باید نوعی بیماری اقتصادی - اجتماعی دانست که اگر هر چه زودتر درمان نشود، ممکن است دامنه ی آن بیش از پیش گسترش یافته و گرفتاری های بیشتری را برای کل اقتصاد فراهم سازد.

همچنین برکسی پوشیده نیست که احتکار امری پر سابقه است و اختصاص به زمان حاضر ندارد. متأسفانه این کار نامشروع از قدیم الایام تا به حال بلکه در همه ی زمان ها علی الخصوص امروزه یک دشواری بزرگ اجتماعی بوده است و برای بعضی از افراد طمعکار و سودجو راهی برای کسب درآمد بیشتر بوده و هست و از این طریق سود هنگفتی را به جیب می زند، احتکار برخاسته از حرص و آزمندی است که از خصوصیات جبلی انسان محسوب می شود و هر چه دامنه مبادلات بازرگانی میان ملت ها توسعه ی بیشتر بیابد، زمینه ی احتکار گسترده تر می شود و به همه ی آن چه که مردمان در زندگی خود به آن ها نیازمندند سرایت می کند و شر و زیان آن فزونی می یابد. حال با این فروض آیا احتکار منحصر به موارد منصوص می باشد و بر فرض انحصار آیا حکومت اسلامی می تواند بر اساس اقتضای مصلحت جامعه ی اسلامی دامنه ی آن را گسترده تر کند یا نه؟

احتکار در لغت به معنای نگهداری طعام به انتظار گران شدن آن را گویند. جوهری در صحاح گفته:

"الاحتکار: جمعُ الطعامِ وحبسه یَتَرَبِّصُ به الغلاء" (جمع کردن و انبار کردن طعام به انتظار گران

شدن). (شمس الدین، 1378، ص 78) در بیشتر فرهنگ های لغت اصلی و معتبر زبان عربی نیز نزدیک

به این معنا برای آن گفته شده است. در اصطلاح نیز احتکار عبارت است از حبس گندم، جو، خرما،

کشمش و روغن حیوانی و [خودداری] از فروش آن ها. (همان، ص 80) با وجود شباهت میان معنای

لغوی و اصطلاحی احتکار، دو تفاوت میان این دو معنا وجود دارد:

الف) طبق معنای لغوی، احتکار به ذخیره کردن هر گونه طعام گفته می شود، در حالی که در اصطلاح

فقهی، فقط به ذخیره کردن گندم، جو، خرما، کشمش و روغن حیوانی احتکار گفته می شود و نه

ذخیره هر گونه مواد غذایی.

ب) بنابر نظر اکثر فقها، شرط تحقق احتکار در اصطلاح فقهی، نیاز مردم به آن کالا است ولی در معنای

لغوی این قید وجود ندارد. (انصاری، 1411، ص 248)

به نظر مشهور فقیهان امامیه، کالاهایی که احتکار در مورد آنها صادق است عبارتند از: گندم، جو،

خرما، کشمش، (که غلات چهارگانه معروف هستند) و نیز روغن حیوانی (نه نباتی). مستند گفته

مشهور روایت غیاث بن ابراهیم از امام صادق "علیه السلام" می باشد:

« غیاث [بن ابراهیم] عن ابی عبدالله "علیه السلام" قال: لیس الحکره الا فی الحنظله و الشعیر و التمر و

الزبیب و السمن» (عاملی شهید ثانی، 1410، ص 394)

«احتکار فقط در گندم، جو، خرما، کشمش، و روغن حیوانی می باشد».

بعضی از فقها مانند: شیخ صدوق، شهید اول و شهید ثانی و از معاصرین امام خمینی "ره" علاوه بر

مواد غذایی یاد شده، روغن زیتون را نیز از موارد احتکار نام برده اند. در تأیید نظر این عدّه از فقیهان

روایاتی نیز وجود دارد. در مقابل این دسته از فقهاء که احتکار حرام را فقط در انواع خاصی از مواد غذایی محدود کرده اند، دسته ای دیگر از فقهاء، احتکار را منحصر در مواد غذایی خاصی نمی دانند و هر آن چه را که در عرف جامعه به آن مواد غذایی (طعام) گفته شود را در برگیرنده حکم حرمت می کنند، از آن جمله می توان به «محقق خوئی» "ره" اشاره نمود. (محقق داماد، 1362، ص 166)

با توجه به این نظریه چون نوع مواد غذایی مورد مصرف مردم باتوجه به شهرها و مکان های مختلف متفاوت است، مصادیق احتکار نیز در هر شهر مختلف خواهد بود. مثلاً در شهرهایی مثل مازندران و رشت که مواد غذایی اصلی آنها برنج می باشد، احتکار آن حرام، و در شهری دیگر که ماده غذایی اصلی برنج نبوده و از چیز دیگر مثل گندم به عنوان غذای اصلی روزمره استفاده می کنند، احتکار گندم حرام و احتکار برنج حرام نمی باشد.

این گروه از فقیهان دلیل سخن خود را این گونه بیان کرده اند که:

اولاً: چون موضوع حرمت احتکار در احادیث "طعام" می باشد و طعام در عرف به «هر آن چه که آدمی برای ادامه ی زندگی به آن محتاج است» می گوید، لذا احتکار هر گونه مواد غذایی (طعام) حرام است. ثانیاً: روایاتی که احتکار را درغلات چهار گانه و روغن حیوانی محصور می کنند، از نظر سندی ضعیف اند، در نتیجه نمی توان از اطلاق (شمول) روایات صحیح السندی که دلالت بر حرمت احتکار در هر گونه مواد غذایی دارند، چشم پوشی کرد. (شمس الدین، 1378، ص 244)

ملاک برای احتکار دو چیز است:

الف) نیاز مردم به کالای احتکار شده.

ب) اینکه فروشنده و عرضه کننده دیگری نباشد که مردم بتوانند از او کالای خود را تهیه کنند که در اصطلاح فقهی به آن شرط عدم باذل طعام گفته می شود.

دلیل فقهی برای شرط بودن آن دو، روایت صحیح حلبی از امام صادق "علیه السلام" می باشد:

« قال: سألته عن الرجل يحتكر الطعام و يتربص به هل يصح ذلك؟ فقال: ان كان الطعام كثيراً يسه الناس فلا بأس به و ان كان الطعام قليلاً لا يسه الناس فانه يكره ان يحتكر الطعام و يترك الناس ليس لهم طعام (محقق داماد، 1373، ص 118).

«حلبی می گوید از امام صادق (ع) پرسیدم: آیا مردی که مواد غذایی را احتکار می کند، این کار درست است؟ [ایشان پاسخ دادند:]: اگر مواد غذایی فراوان باشد اشکالی ندارد، و اگر مواد غذایی کم باشد به طوری که مردم در سختی باشند این کار کراهت دارد و حال آنکه مردم مواد غذایی ندارند.»
از روایت بالا دو شرط مذکور استفاده می شود که در صورت نیاز مردم و نبودن کسی دیگر که آن ها بتوانند آذوقه مورد نیاز خود را از او تهیه کنند، احتکار ممنوع شده است (طوسی، 1407، ص 231).

حال سوال این است که آیا شرط زمانی و مکانی نیز در مورد احتکار دخیل است یا خیر؟

چون در برخی روایات، مدت احتکار را برای زمانی که کالا، فراوان است چهل روز و برای زمانی که سختی و قحطی است سه روز قرار داده اند، برخی گمان کرده اند حبس کالا در کم تر از آن زمان احتکار محسوب نمی شود.

فقهای بسیاری از جمله شیخ مفید، علامه حلی و محقق حلی این نظر را نپذیرفته اند و معتقدند که احتکار حد و اندازه ای ندارد و در هر زمان که نیاز مردم به طعام [قوت] وجود داشته باشد احتکار نیز وجود دارد چه قبل از چهل روز (در هنگامی که کالا فراوان باشد) و چه قبل از سه روز (زمان کمبود کالا).

امام خمینی "ره" نیز این نظریه را قبول نکرده اند و در این مورد فرموده اند: این حدیث با بعضی از احادیث دیگر منافات دارد و علاوه بر آن بسیار بعید است که شارع مقدس اسلام رضایت بدهد که مردم سه روز در سختی و بلا به سر ببرند (موسوی خمینی، 1392، ص 415).

سوال دیگر این است که آیا مالک شدن کالا از راه خریدن آن در صدق عنوان احتکار تاثیر دارد یا خیر؟

یکی دیگر از شرایطی را که برای تحقق احتکار مطابق (روایت حلبی از امام صادق "علیه السلام") بیان کرده اند این است که: شخص کالا را خریده و انبار کرده باشد. بنابراین اگر کسی از راه کشاورزی یا هدیه گرفتن از دیگران و یا راه های دیگر - غیر از خریدن - مالک آذوقه شود و آن را انبار کند به آن احتکار نمی گویند. بعضی از فقیهان شیعه همچون محقق کرکی و علامه حلی نیز این نظریه را پذیرفته اند (شمس الدین، 1378، ص 341).

ولی بسیاری از فقها و مراجع تقلید از جمله شیخ انصاری، امام خمینی، محقق خوئی، آیت الله تبریزی، این نظر را رد کرده اند. زیرا بیشتر روایات در باب احتکار بصورت مطلق آمده و آن را مقید به هیچ قید و مشروط به هیچ شرطی مثل مالک شدن از راه خرید نکرده اند. از آن گذشته واضح است که هدف قانون گذار از ممنوعیت احتکار در شریعت صرفاً به خاطر آن است که سختی و نیاز مردم را از نظر [کمبود] مواد غذایی برطرف کند و از این روی فرقی بین مالک شدن چه از راه خرید و چه از راه های دیگر نیست.

اگر محتکر از فروختن اجناس احتکار شده خودداری به عمل آورد شکمی نیست که باید آن را مجبور به فروش کرد و دلیل این مطلب اجماع علمای اسلام بر این گفته می باشد. علاوه بر آن روایاتی که فرمان به مجازات محتکر داده است دلالت می کند که می توان محتکر را به خاطر خودداری از

فروش، مجبور به فروختن کالایش کرد و در این مورد علی رغم اجبار فروشنده معامله صحیح است.
(عاملی، 1424، ص 397).

طبق نظر اکثر فقها جایز نیست که از طرف حاکم در وهله اول و بدون اخطار به فروشنده محتکر، برای کالاهای احتکار شده، نرخ خاص قراردادده شود، ولی اگر محتکر در قیمت گذاری کالای خود زیاده روی کرده و حقوق مصرف کننده را رعایت نکند، حاکم به او دستور پایین آوردن و واقعی کردن نرخ کالاهایش رامی دهد.

اگر محتکر بعد از دستور حاکم، باز هم از پایین آوردن قیمت خودداری نمود آن گاه حاکم او را مجبور به فروش براساس قیمتی که مصلحت می داند، می نماید؛ زیرا اگر در چنین مواقعی نرخ گذاری به صورت اجباری نباشد نتیجه اش این خواهد بود که محتکر هم چنان به احتکار خود ادامه خواهد داد و یا به خاطر فرار از فروش کالایش و ادامه احتکار، ممکن است قیمتی را مشخص کند که عملا هیچ کس نتواند به آن قیمت خریداری کند. پس به طور کلی باید گفت که: حاکم شرع حق ندارد محتکر را به نرخی پایین تر از نرخ متعارف در بازار، وادار به فروش کالایش نماید مگر آن که در این کار لزوم و مصلحتی ببیند. همچنین فروشنده نیز حق ندارد اجحاف - گرانفروشی نماید، بلکه باید کالای خود را به قیمت متعارف یا نزدیک به آن بفروشد. بنابراین اگر در برخی از روایات نرخ گذاری توسط حاکم جایز دانسته نشده است، منظور آن روایات مواردی هستند که بدون اجبار محتکر کالای خود را به قیمت متعارف خواهد فروخت. با توجه به موارد ذکر شده، پژوهش حاضر بر آن است تا به این پرسش ها پاسخ دهد که نحوه ی برخورد حکومت اسلامی در فقه امامیه در برابر احتکار چگونه است؟ آیا احتکار به وسیله نگهداری هر گونه طعام و مواد غذایی مورد نیاز مردم تحقق می یابد یا

اختصاص به مواد غذایی خاصی دارد؟ حرمت شرعی احتکار و گستره آن چگونه است؟ مجازات های قابل اعمال برای محترک چیست؟

ب) سوالات تحقیق

1- نحوه برخورد حکومت اسلامی در فقه امامیه در برابر احتکار چگونه است؟

پرسش فرعی

1- آیا احتکار به وسیله نگهداری هر گونه طعام و مواد غذایی مورد نیاز مردم تحقق می یابد یا

اختصاص به مواد غذایی خاصی دارد؟

2- حرمت شرعی احتکار و گستره آن چگونه است؟

3- مجازات های قابل اعمال برای محترک چیست؟

ج) - پیشینه تحقیق

موسوی خمینی (1379) در تحریرالوسیله در خصوص تفاوت احتکار با انبارداری می نویسد:

باید توجه داشت که معیار در احتکار حرام ایجاد بازار سیاه است به گونه ای که موجب تضییق و

دشواری مردم مسلمان فراهم گردد و گرنه در موارد فراوانی که عرضه بی رویه کالا چه بسا موجب

تضییق و اتلاف مال گردد، نه تنها حرام نیست بلکه از جهاتی منطبق با موازین عقلایی است. مثلاً در

هنگام به دست آمدن میوه در اواخر تابستان، اگر باغداران محصول خویش را یکباره به بازار عرضه

کنند، از آن جا که در آن فصل عوامل عرضه و تقاضا با یکدیگر تناسب ندارد، این عمل نتیجه ای جز

ضایع شدن و از بین رفتن محصولات نخواهد داشت و عواقب سوء اقتصادی دیگری نیز پیامد آن

خواهد بود زیرا به علت ضرر و زیانی که فروشندگان، به خاطر فروش جنس خود به بهای ارزان،

متحمل می شوند توازن اقتصادی نیز آشفته می گردد. در حالی که اگر در همان ایام به مقدار مایحتاج

عمومی و فروش به نرخ عادلانه، متناسب با قیمت تمام شده و سود منصفانه، دسترنج خویش را به بازار عرضه کنند و بقیه محصول به نحو صحیح، از جمله نگهداری در سردخانه انبار گردد و به تدریج به موازات مصرف توزیع شود، عملی خردمندانه خواهد بود.

شمس الدین (1378) در کتاب احتکار در اسلام در خصوص حرمت احتکار بیان می دارد:

درباره حرام بودن یا کراهت احتکار میان فقها اختلاف است. بنا بر آن چه که به مشهور فقیهان شیعه نسبت داده‌اند در صورتی که کالایی به اندازه کافی در بازار وجود نداشته باشد و نگهداری آن موجب ضرر به سوق المسلمین شود، احتکار آن حرام است. شهید اول، احتکار طعام را در ذیل تجارت‌های مکروه ذکر کرده. اما شهید ثانی در شرح لمعه حرمت آن را در صورت نیاز مردم به آن، قوی‌تر دانسته و به شهید اول نسبت داده که در کتاب دروس، قائل به حرمت احتکار شده است. برخی از فقیهان گفته‌اند در صورتی که کالای احتکار شده، مورد نیاز مردم باشد و در بازار نیز یافت نشود، حاکم می‌تواند محتکر را مجبور کند تا کالایش را بفروشد، اما نمی‌تواند کالای او را تسعیر (قیمت‌گذاری) کند. فلسفه حرمت احتکار، جلوگیری از اختلال نظام و ایجاد عسر و حرج برای مردم ذکر شده است. فقیهان شیعه برای حرمت یا کراهت احتکار به روایاتی از پیامبر (ص) و امام صادق (ع) که در جوامع روایی شیعه آمده، و فرمان امام علی (ع) به مالک اشتر مبنی بر جلوگیری از احتکار استناد شده است. در یکی از این روایات، کلمه کراهت به کار رفته است، برخی از فقیهان، از این کلمه، حرمت و برخی دیگر کراهت را استنباط کرده‌اند.

محقق داماد (1373) در کتاب قواعد الفقہیه در مورد تعریف احتکار بیان می دارد: احتکار عبارت است از کاهش دادن یا متوقف کردن جریان توزیع کالا توسط همه یا برخی از فروشندگان به طور

موقت. این اقدام فروشندگان با توجه به وضع بازار و به خصوص تقاضای تحریک شده خریداران به منظور بالابردن قیمت و درآمد حاصل از افزایش قیمت کالا صورت می گیرد.

شیخ انصاری (1370) در کتاب مکاسب در مورد گستره احتکار می نویسد: در روایات، از احتکار گندم، جو، خرما، کشمش و روغن سخن به میان آمده است. از این رو به گفته علامه مجلسی، مشهور فقیهان شیعه، به حرام بودن احتکار در موارد یاد شده، اکتفا کرده و حکم آن را به موارد دیگر تعمیم نداده‌اند. برخی نمک را نیز به آن‌ها افزوده‌اند. البته در برخی روایات، احتکار طعام، به طور کلی ممنوع شده است. و برخی از فقیهان امامیه نیز جریان حکم آن را در همه موارد نیاز غذایی بعید ندانسته و برخی دیگر آن را به همه نیازمندی‌های عمومی مانند خوراک، پوشاک و مسکن تعمیم داده‌اند. مستند گروه اخیر، قاعده لاضرر، قاعده لاحرج و تعلیل روایات احتکار است. برخی از فقیهان، ذکر موارد خاص در روایات را، از باب نمونه و از باب قضایای خارجی دانسته نه قضایای حقیقی، از این رو معتقدند احتکار به موارد یاد شده در روایات اختصاص ندارد اما تعیین مصادیق آن از وظایف حکومت است.

مجلسی (1363) در کتاب بحارالانوار درباره شرایط احتکار بیان می دارد: ملاک برای احتکار دو

چیز است: (هرچند چهار ملاک بیان شده؛ ولی مجلسی دو مورد اول را قبول دارد).

الف) نیاز مردم به کالای احتکار شده.

ب) اینکه فروشنده و عرضه کننده دیگری نباشد که مردم بتوانند از او کالای خود را تهیه کنند که در

اصطلاح فقهی به آن شرط عدم باذل طعام گفته می شود.